روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir
| روزنامه جوان | شماره ۴۹۶۹ | یکشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۵ | ٤ ربیع‌الاول ۱۴۳۸| اذان ظهر: ۱۱:۵٤ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۰|اذان مغرب: ۱۷:۰۹|نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۸|اذان صبح فردا: ۰۵:۲۸|طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۸|

یادداشت | ایزد مهرآفرین

آنکه آمد، آنکه رفت

«آنکه لویکه»، نماینده فستیوال فیلم برلین هنگام خروج از ایران به همراه فیلم‌هایی که برای جشنواره می‌برد دستگیر و بعد از مدتی آزاد شد. این بازداشت تنها به این دلیل خبرساز شد که یک شهروند خارجی در فرودگاه ایران بازداشت شد و کسی نپرسید که «آنکه» در ایران چکار می‌کند. اهالی سینما می‌دانند که «آنکه لویکه» هر سال به ایران می‌آید. هر سال فیلم‌هایی از سینمای ایران انتخاب می‌کند و با خود می‌برد و هر سال فیلم‌هایی که «آنکه» انتخاب کرده در فستیوال فیلم برلین سروصدا به پا می‌کند. این سروصدا نه به خاطر کیفیت فیلم‌ها و تشویق تماشاگران بلکه به خاطر محتوای فیلم‌هایی است که به برخی از آنها می‌توان رسماً عنوان فیلم ضدایرانی داد و در ایران توقیف کرد که البته بسیاری از عناوین فیلم‌هایی که آنکه لویکه از ایران برده، مصداق فیلم‌های توقیفی هستند.

لویکه به خوبی می‌داند که چه فیلم‌هایی را انتخاب کند که در خوراک تبلیغاتی جشنواره فیلم برلین باشند. آلمانی‌ها با فستیوال فیلم‌شان بیشتر از هر فستیوال فیلمی در دنیا به مسائل حاشیه‌ای ایران پرداخته‌اند به طوری که این فستیوال از جایگاه یک جشنواره فیلم و رخداد هنری به سطح یک کمپین سیاسی ضدایرانی تقلیل یافته است. لویکه حتی به فیلمسازان ایرانی می‌گوید برای اینکه فیلم‌شان در برلین دیده شود چه اصلاحاتی در فیلم ایجاد کنند و روی چه نکاتی تأکید داشته باشند.

همین پارسال بود که گفته شد لویکه به سعید روستایی پیشنهاد داده پایان فیلم «بد و یک روز» را تلخ تمام کند تا در برلین پذیرفته شود که البته این پیشنهاد با مخالفت فیلمساز روبه‌رو می‌شود! واقعاً لویکه در سینمای ایران چه می‌کند؟ فیلم‌ها را با خود می‌برد که چه شود؟! تا به حال سازمان سینمایی درباره دستاوردهای مثبت حضور لویکه در ایران سخنی گفته؟ یا اصلاً می‌توان برای حضور این آلمانی نتیجه مثبت نیز در نظر گرفت؟ نتایج حضورهای قبلی لویکه می‌گوید جز فتنه‌انگیزی حاصلی از آمدن‌های بی‌سروصدا و فیلم بردن‌های آنکه لویکه نصیب سینمای ایران نشده است. مشخص هم نیست امسال برای برلین چه فیلم‌هایی را گلچین کرده و قصد داشته با خود ببرد! بازداشت آنکه لویکه به هر دلیلی که صورت گرفته باشد، تلنگری بود بر ولنگاری فرهنگی در مقابل حضور عوامل خارجی که توان تأثیرگذاری بر چهره فرهنگی کشورمان در خارج از کشور را دارند. تا کی باید شاهد حضور بی‌سروصدای آنکه لویکه در ایران و سروصدای ضدایرانی جشنواره برلین باشیم؟!

تلویزیون

تقدیر علما از رسانه ملی برای تولید یک سریال فاخر

سریال «معمای شاه» نقطه عطفی در سریال‌سازی تاریخ معاصر است

نخبگان، اندیشمندان و شخصیت‌های مهم سیاسی، علمی و فقهی کشور هم که تاکنون سابقه نداشته درباره تولید یک مجموعه تلویزیونی اظهارنظر آشکار کنند، در زمینه سریال «معمای شاه» به دلیل اهمیت راهبردی آن در روایت تاریخ معاصر و کارکردهای گسترده اجتماعی آن اظهارنظر کردند.

چهره‌هایی چون آیت‌الله جنتی، آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله سیدجعفر کریمی و آیت‌الله نورمفیدی از جمله افرادی هستند که در خصوص این سریال تحلیل و نظر دادند.

برپایه این گزارش، آیت‌الله جنتی، رئیس شورای فقهای نگهبان ضمن تقدیر از سریال «معمای شاه» خاطرنشان می‌کند: کشورهای غربی و اپوزیسیون به تخریب این سریال می‌پردازند و این موضوعی طبیعی است. وی می‌گوید: مجموعه تلویزیونی «معمای شاه» سریال قابل تقدیری است و باید ارزش این گونه سریال‌های تاریخی را که در رسانه ملی تولید و پخش می‌شود، دانست. رئیس شورای فقهای نگهبان در ادامه به تخریب‌های صورت گرفته از این سریال می‌پردازد و اشاره می‌کند: تخریب این سریال از سوی کشورهای غرب و اپوزیسیون طبیعی است و نباید به این تخریب‌ها اهمیت داد.

آیت‌الله سعیدی با بیان اینکه این سریال برای نسل جوان لازم و ضروری است، گفت: نشان فاطمی آستان حضرت معصومه(س) به محمدرضا ورزی، کارگردان مجموعه تلویزیونی «معمای شاه» اهدا شد. آیت‌الله سعیدی نیز ضمن تشکر از سازندگان این اثر تاریخی اعلام می‌کند: ساخت چنین آثاری برای نسل جوان لازم و ضروری است. آیت‌الله سیدجعفر کریمی همراه و یار دیرین حضرت امام خمینی(ره) معتقد است «معمای شاه» در تصویر کودتای ۲۸ مرداد و ۳۰ تیر موفق عمل کرده است.

همراه و یار دیرین حضرت امام خمینی(ره) می‌گوید: از بخش‌هایی که به خوبی در «معمای شاه» تصویر شده، می‌توان به کودتای ۲۸ مرداد یا قیام ۳۰ تیر اشاره کرد که بسیار خوب و درست ساخته شده است.

همچنین آیت‌الله نورمفیدی، نماینده ولی‌فقیه در استان گلستان و امام جمعه گرگان تأکید می‌کند: سریال معمای شاه را با دقت ببینید.

راه سعادت

حکمت ۱۵۹

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهَمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ.

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند!

مستندسازها در گفت‌وگو با «جوان» از چالش‌های سینمای مستند گفتند

سینمای مستند درگیر «بودن»

■ **محمدصادق عابدینی**

از امروز دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» آغاز به کار خواهد کرد؛ معتبرترین جشنواره دولتی فیلم مستند در ایران که توانسته در سطح بین‌المللی نیز خود را تثبیت کند. برگزاری سینماحقیقت نشانه‌ای از اهمیت جایگاه فیلم مستند در ایران است. «جوان» به بهانه آغاز به کار جشنواره مستند در گفت‌وگو با چند تن از مستندسازان کشورمان به مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سینمای مستند در ایران پرداخته است.

در این گفت‌وگو ابتدا قرار بود مهم‌ترین فرصت و مزیت سینمای مستند در ایران را نیز بررسی کنیم، اما از آنجایی که مباحث گسترده می‌شد و امکان نتیجه‌گیری واضح از بین می‌رفت، صرفاً به چالش‌ها پرداختیم.

■ **چالشی به نام «دولتی» بودن**

محسن برمهانی، کارگردان مستند تحسین شده «به پشت تابلو نگاه کن»، در گفت‌وگو با «جوان»، مهم‌ترین چالش پیش‌روی سینمای مستند را «دولتی» بودن این سینما می‌داند و می‌گوید: نگاه به حوزه مستندسازی به شدت دولتی است، به این معنا که آمدن و رفتن دولت‌ها باعث تغییر رویه‌ها در سینمای مستند می‌شود و هر دولتی که سر کار می‌آید، به گروهی از مستندسازهای همسو با جریان خودش اهمیت می‌دهد و در جشنواره‌ها به آثار آنها توجه می‌شود.

این دیدگاه هم مختص دولت روحانی یا احمدی‌نژاد و رئیس‌جمهور قبل وی نمی‌شود و در همه دولت‌ها بوده است. من در دولت فعلی بیکار نبوده‌ام و از همان ابتدای دولت جدید از طرف مرکز گسترش دعوت به همکاری شدم، ولی باید به مسائل منصفانه نگاه کنیم. رئیس مرکز گسترش در دولت احمدی‌نژاد نگاه مسامحه‌آمیزتری داشت و می‌گفت باید برخی مستندسازها را جذب کنیم که جذب «بی‌بی‌سی» و دیگر شبکه‌های خارجی نشوند. کاری به درست یا غلط بودن این کار ندارم ولی نشان می‌دهد که فکر مستندسازی بوده‌اند. در ایران مراکزی مانند «اوج»، «افق»، «سفیر»، «شهید آوینی» و «روایت فتح» نیز مستندسازی می‌کنند، اما جریان اصلی مستندسازی هنوز دولتی و در دست مرکز گسترش است. این مرکز گسترش است که جریان‌سازی می‌کند و مهم‌ترین جایزه سینمای مستند را می‌دهد. همین جریان‌سازی باعث می‌شود برخی مستندسازها تلاش کنند خود را با دولت‌ها همراه کنند. برخی هم سعی می‌کنند میانه کار را بگیرند و از هر دولتی که سر کار می‌آید، منتفع شوند. اتفاقاً این گروه بیشتر ضرر می‌کنند و اکثراً مغلوب هستند چون دولت‌ها هم می‌دانند که آنها صرفاً برای منافع‌شان است که رو به میانه روی و اعتدال آورده‌اند.

■ **چالشی به نام «نداشتن پخش بین‌المللی»**

محسن اسلام‌زاده، مستندسازی که تا به حال آثار متنوعی درباره جنگ با تروریسم در سوریه و عراق تولید کرده و مستند تحسین شده «تنها میان طالبان» را کارگردانی کرده است، در گفت‌وگو با «جوان»، چالش پیش‌روی سینمای مستند را نداشتن پخش بین‌المللی فیلم مستند می‌داند. این مستندساز می‌گوید: به عنوان مستندسازی که چند حضور بین‌المللی نیز داشته باید بگویم که در مستندسازی به نقاط خوبی رسیده‌ایم و تولیدات خوبی داشته‌ایم؛ چه مستندهایی که با حمایت دولت تولید می‌شوند، چه مستندهای ساخت تلویزیون و چه فیلم‌های مستندی که در بخش خصوصی ساخته شده‌اند، اما مهم‌ترین چالش پیش‌روی ما در حوزه مستند نبود ارتباط با پخش‌کننده‌های بین‌المللی فیلم است. ما فیلم‌های بسیار خوبی داریم، ولی پخش بین‌المللی نداریم و نمی‌توانیم در جشنواره‌های خارجی و شبکه‌های تلویزیونی حضور داشته باشیم. نمی‌دانیم چطور باید در سطح بین‌الملل حضور داشت.

برای نمونه من فیلمی درباره طالبان ساخته‌ام و در یک بازار فیلم شرکت کرده‌ام. من باید فیلمم را چندده هزار دلار بفروشم تا برایم صرفه داشته باشد، در مقابل یک شرکت پخش‌کننده فیلم فرانسوی نیز می‌آید و فیلمی درباره طالبان را می‌آورد. اصلاً بحث درباره کیفیت دو فیلم نمی‌کنم ولی شرکت فرانسوی با ۵۰۰ تا هزار شبکه تلویزیونی در ارتباط است و رایت فیلمش را حداکثر هزار و ۵۰۰ دلار به هر کدام از آنها می‌فروشد. شما می‌بینید این فیلم را به ۲۰۰ تا ۳۰۰ شبکه تلویزیونی فروخته و درآمد چندصد هزار دلاری به دست می‌آورد. در عوض هیچ شبکه‌ای حاضر نمی‌شود فیلم دیگری را درباره طالبان که من به بازار آورده‌ام، چندده هزار دلار بخرد. فیلم من هیچ وقت دیده نمی‌شود، اما آن فیلم را همه می‌بینند و گفتمانی که آن فیلم دارد تبلیغ می‌شود. قطعاً در پخش‌کننده‌های فیلم جریان‌های همسوی فکری با ما نیز وجود دارد ولی ما تا به حال سراغ آنها نرفته‌ایم و در بازاریابی ضعیف عمل کرده‌ایم. بهترین راه برای حمایت از سینمای مستند همین اهمیت دادن به پخش بین‌المللی فیلم‌هاست.

■ **سینمای مستند، درگیر «بودن»**

سلیم غفوری، مستندساز و مدیر شبکه مستند سیما که مهم‌ترین مرکز پخش تلویزیونی مستند در صداوسیما است، مهم‌ترین چالش پیش‌روی سینمای مستند را همانا نبودن سینمای مستند می‌داند. غفوری به «جوان» می‌گوید: بزرگ‌ترین چالش سینمای مستند، همان «سینمای مستند» است. باید میان سینمای مستند و تولید مستند فرق قائل شد. ما مستند تولید می‌کنیم اما سینمای مستند نداریم. سینمای مستند به این معنا است که مستند متکی به اکران باشد و شبکه اکران روند تولید مستند را جلو ببرد. مستندهایی که ما اکنون تولید می‌کنیم حداکثر در جشنواره‌ها دیده می‌شوند و شاید اگر شرایطش را داشته باشد در تلویزیون پخش شود. عملاً این تلویزیون است که به محل دیده شدن فیلم‌های مستند تبدیل شده است، در صورتی که وقتی صحبت از «سینمای مستند» به میان می‌آید، این است که فضای سینماها در اختیار فیلم‌های مستند قرار بگیرد. فرقی هم ندارد که این فضا شامل سالن‌های عمومی یا سینما تک‌ها شود. البته اقدامات خوبی شروع شده و مجموعه‌هایی رو به اکران مستند آورده‌اند مثل اکران‌های دانشگاهی که با استقبال روبه‌رو شده است. گروه هنر و تجربه نیز برخی مستندها را اکران کرده که البته آمارها نشان می‌دهد تا به حال اکران مستند در سینمای هنر و تجربه موفقیتی را که انتظار می‌رفته نداشته است. اگر بخواهم خلاصه‌تر درباره چالش سینمای مستند صحبت کنم باید بگویم که سینمای مستند باید متکی به گیشه و بلیت‌فروشی باشد و این مخاطب باشد که با خرید بلیت سرمایه تولید مستند را تأمین کند، شبیه بخشی از سینمای داستانی که بخش خصوصی آن را می‌گرداند و وابسته به فروش سینما است نه دریافت بودجه دولتی و تلاش می‌کند هزینه‌هایش را از بخش درآمدی‌اش تسویه کند.

«جوان» در روزهای آتی نیز بحث چالش‌های پیش‌روی سینمای مستند را در گفت‌وگو با دیگر مستندسازان پیگیری خواهد کرد.

نما | حسین کشتکار

تأملی بر عملکرد وزارت ارشاد صالحی‌امیری از یک‌ماه اخیر

وزیر ارشاد چه زمانی آغاز تحولات را کلید می‌زند

■ **جواد محرمی**

بیش از یک ماه است که از رأی اعتماد مجلس به صالحی‌امیری برای وزارت فرهنگ می‌گذرد، ولی هنوز هیچ عملی از وزارتخانه جدید که نشان‌دهنده تصمیمی اصولی یا راهبردی باشد، سر نزده است. وزیر ارشاد چندی پیش در دیدار با مدیران وزارتخانه با اشاره به تحلیل خود درباره نیازها و الزامات این وزارتخانه تأکید کرد: «اولین نیاز و ضرورت، ثبات و آرامش است.»

باید امیدوار بود آرامشی که صالحی‌امیری از آن سخن می‌گوید معادل بی‌عملی و صرفاً بیان حرف‌های خوب نباشد. با رجوع به سایت رسمی وزارت ارشاد لیست اخبار این وزارتخانه به تیترهایی از این قرار اختصاص دارد: «پیام وزیر فرهنگ به جشنواره سینماحقیقت، دیدار وزیر ارشاد با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، تسلیت وزیر فرهنگ در پی حادثه قطار مسافربری، قرائت پیام رئیس‌جمهوری به آیین بزرگداشت سلیم مؤذن‌زاده، روزی به نام استاد مؤذن‌زاده‌اردبیلی به عنوان نماد مداحی سنتی تعیین شود و...»

وزیر فرهنگ در این مدت دیداری هم با مدیران وزارتخانه داشته و طی آن لیستی از اولویت‌های خود برای اداره فرهنگ کشور ارائه داده است، ولی هنوز و در مدت یک ماهه اخیر خبری از پا گذاردن به عرصه اجرا برای پیاده کردن برنامه‌ها نیست. صالحی‌امیری در این نشست هم مانند سخنانش در روز رأی اعتماد مجلس بر لزوم بیرون رفتن سیاسیون از عرصه فرهنگ سخن گفته، اما هنوز مشخص نیست سیاسیون عرصه فرهنگ دقیقاً چه کسانی هستند که باید به بیرون هدایت شوند، ضمن اینکه تأکید او بر این گزاره به معنای این است که در سه سال گذشته وزارت ارشاد دولت یازدهم با رویکردها و تفکرات سیاسیون اداره می‌شده است. باید منتظر ماند و دید که برنامه‌های آقای وزیر برای بیرون کردن سیاسیون دقیقاً چه چیزها و چه افرادی را شامل می‌شود.

شاید عنوان شود که یک‌ماه زمان زیادی نیست، اما واقعیت این است که صالحی‌امیری در دفاع برای کسب وزارت فرهنگ روی سابقه ۲۰ ساله فرهنگی و اشراف بر مسائل این حوزه تأکید فراوان کرده و حالا انتظار می‌رود با پشتوانه ۲۰ ساله‌ای که او دم از آن زده، سرعت اجرایی در وزارت ارشاد بیش از پیش به چشم بیاید و عملگرایی انقلابی بروز و ظهور یابد.

شاید واژه انقلابی با دولتی که بیشتر با رویکرد تکنوکراسی شناخته می‌شود، تناسب زیادی نداشته باشد اما سخنان صالحی‌امیری در روز رأی اعتماد بر چنین سیاقی استوار است: «ما در نظام فرهنگی زیست می‌کنیم که مجموعه‌ای از قوانین و ساختارهاست و گفتمان غالبی داریم که گفتمان مقام معظم رهبری است که در ذیل آن گفتمان رئیس‌جمهور می‌آید.

روح فرهنگ در جامعه باید دینی باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند از مرزهای دینی عبور کند. توجه جدی به حوزه کانون‌های دینی کشور خواهیم داشت، ایجاد ساز و کار برای نیازسنجی فرهنگی را در دستور کار قرار خواهم داد، امروز در فضای مجازی با انبوهی از فرصت‌ها مواجه هستیم و باید نیازهای نسل جوان درک و هدایت شود.» سخنانی از این دست اگر صرفاً برای جذب آرای نمایندگان بیان نشده باشد، بدون اغراق بدون عملگرایی انقلابی به سرانجام نمی‌رسد.

برای مثال صالحی‌امیری گفته: «زمانی که قرار نبود بنده به عنوان وزیر فرهنگ معرفی شوم در فروردین‌ماه در حوزه اقتصاد مقاومتی مطلبی را در زمینه گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی تهیه کردم.»

اینکه وزیر فرهنگ پیش از صدارت بر پست فعلی دغدغه گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی داشته و در این‌باره مقاله نوشته نکته جذابی قلمداد می‌شود، اما شرط آن این است که در مقام عمل برنامه‌های فرهنگی وزارت ارشاد برای این گفتمان‌سازی ارائه و در دستور کار قرار گیرد و در حد حرف و نوشته باقی نماند. صالحی‌امیری هنوز در حد تغییر معاونت‌ها هم دست به کار نشده و امید است که این بی‌عملی ریشه در بلاتکلیفی نداشته باشد.

خدا را شکر که زنده‌ام

■ **میثم رازفر / مستندساز**

همیشه دلم می‌خواست همه کارای دنیارو امتحان کنم و خب آنهایی را که هیجان بیشتری دارند، بیشتر دوست داشتم. اصلاً این مهم‌ترین دلیل بازیگر شدنم بود. تجربه کردن! آدم دیگری شدن و دنیا را از دریچه دیگران دیدن. از کودکی با خودم می‌گفتم خلبان یا ماهیگیر، دنیا را چطور می‌بیند و می‌فهمد، یا یک شکارچی می‌تواند مثل یک شاعر زندگی کند؟!

زمانی که «خسته نباشید» را شروع کردم به خودم گفتم این بهترین فرصت برای پیدا کردن بطن زندگی آدم‌های دیگر است؛ آدم‌هایی که خیلی چیزها از آنها یاد گرفتم، با آنها خندیدم، گریه کردم و کوتاه بگویم در کنارشان زندگی کردم و خیلی‌هاشان دوستان خوب من شدند. تحقق این رؤیا خطراتی هم دارد، وقتی چنین کاری را شروع کنی باید این خطرات را به جان بخری و راستش در سری دوم این مجموعه مستند دوست داشتم مشاغل پرخطرتر را تجربه کنم؛ کارهایی که تجربه کردن‌شان آدم را تا یک‌قدمی مرگ می‌برد و خب یکی از این مشاغل شغل «مردان عنکبوتی» است! شغلی که در آن افراد با یک طناب بالای ارتفاع می‌روند، شیشه تمیز می‌کنند، ترمیم ساختمان انجام می‌دهند و هزار کار دیگر! این همان شغلی بود که دلم می‌خواست هیجانش را تجربه کنم. روز تصویربرداری با تمام گروه خداحافظی کردم و از آنها خواستم در هر شرایطی نه جان‌شان را به خطر بیندازند و نه دوربین‌ها را خاموش کنند، حتی اگر سانحه‌ای برایم اتفاق افتاد. راستش را بگویم گفتنش هم برایم سخت بود، شوخی نبود و با حرف‌هایی که زدم کل گروه نگران من امیدوار شوخ‌طبع شده بودند که حالا قرار بود یک شغل کاملاً جدی و پرخطر را تجربه کنم.

گفتند نرو، باید می‌رفتم. گاهی وقت‌ها نباید کم بیاوری و این همان وقت بود. تنها کسی که می‌فهمید چرا برای تجربه این شغل اصرار دارم، کارگردان کار بود، کسی که در بسیاری از موقعیت‌های حساس و سخت زندگی همراه من است، همسرم! و خوشحالم که این‌بار هم بود. من به‌واسطه «خسته نباشید» مشاغل متفاوتی را تجربه کردم، در موقعیت‌های متفاوتی قرار گرفتم، اما این‌بار... در هوا که معلق شدم، ضربان قلبم تند شد، ریتم نفس کشیدنم تغییر کرد، خنده‌ام گرفت. مواقعی که استرس می‌گیرم این حالت خاص به من دست می‌دهد، می‌خندم، در همان حالت پرسیدم می‌شود برگردم؟ و گفت: نه! رفتم و چه رفتنی... سخت بود. خیلی سخت. سخت بود و دلم می‌خواست زودتر تمام شود، عضلاتم درد گرفته بود و هیجانش... بیش از آن بود که بتوانم تحمل کنم. اصولاً آدم کم‌طاقتی نیستم، اما شغلی را تجربه کردم که تحملش آسان نیست، مجبور بودم به روی خودم نیاورم و ادامه بدهم، ولی خب آدم تا یک جایی طاقت می‌آورد، اتفاقاتی افتاد که بقیه‌اش را هم خودتان در قسمت جدید برنامه و اینستاگرام‌مان ببینید!

خبر

شبکه کودک و نوجوان فیلم و سریال می‌سازد

با دستور رئیس سازمان صداوسیما، «گروه فیلم و سریال نوجوان» در شبکه کودک و نوجوان تشکیل خواهد شد.

محمد سرشار، مدیر شبکه کودک و نوجوان سیما، با اعلام این خبر اظهار داشت: فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی رئال، یکی از قالب‌های مورد علاقه نوجوانان هستند و بخش مهمی از جدول پخش برنامه‌های کانال امید را به خود اختصاص می‌دهند.

سرشار افزود: به دلیل سرمایه‌گذاری سنگین مهاجمان فرهنگی بر انحراف مخاطبان کوچک‌سال و راه‌اندازی شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای و اینترنتی برای پمپاژ محتوای معارض غیرایرانی، تشکیل جبهه مقاومت مردمی در این عرصه جنگ نرم تلویزیونی، ضروری است و خط مقدم این مقاومت فرهنگی، شبکه کودک و نوجوان است که با رویکردی تربیت‌مدار، روندی رو به رشد را طی می‌کند. مدیر شبکه کودک و نوجوان سیما گفت: فیلم‌های داستانی خارجی، به اندازه مصرف تلویزیونی رده سنی نوجوان نیستند و بیشتر آنها، به جای تبادل ارزش‌ها و کمک به رشد فرهنگی کشور، به تعارضات فرهنگی دامن می‌زنند و حتی گاه نسخه‌هایی را که حتی برای جامعه خود نمی‌پسندند؛ به جامعه ایرانی تجویز می‌کنند. وی اضافه کرد: به همین دلیل، ساخت فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی، فرصت مناسبی برای بیان هنری ارزش‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی به مخاطب نوجوان خواهد بود. به همین منظور، با دستور دکتر علی‌عسکری، رئیس سازمان صداوسیما، در شبکه کودک و نوجوان، «گروه فیلم و سریال نوجوان» تأسیس خواهد شد. سرشار در پایان گفت: از ابتدای امسال، در خانه فیلمنامه کودک و نوجوان، مذاکره با نویسندگان متخصص و آشنا با منظومه تربیتی پشتیبان شبکه کودک و نوجوان شروع شده و موج قابل توجهی از فیلمنامه‌های مناسب کوچک‌سالان در حال نگارش و آماده شدن برای تولید است.

ما مؤثرتریم

■ **داوود مرادیان / کارگردان**

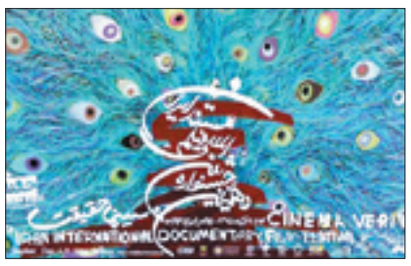

روزگاری انحصار تولیدات بصری به ای نحوکان در اختیار جریان روشنفکری بود؛ از کاریکاتور تا سینما، حتی فیلمفارسی هم به نوعی زیردست جریان روشنفکری بود. با وقوع انقلاب اسلامی اگرچه برهنه‌ها پوشیده شدند و زایش سینمای دفاع مقدس رخ داد اما بازهم این انحصار در دست جریان روشنفکری باقی ماند و مدیر به مدیر استحاله کردند و کار خود را پیش بردند.

دفاع مقدس به علت به روز بودن باعث شد جریان روشنفکری که سعی می‌کرد مسائل مربوط به این حوزه را بایکوت کند، در نظر مردم و بخشی از جامعه دانشجویی به حاشیه رود؛ انزوایی که در ابتدا فکر می‌کردند موجب شأن روشنفکری خواهد شد اما رفته رفته سبب شد دست‌شان در برخی حوزه‌ها کوتاه شود. در سینمای مستند این اتفاق افتاد و با انقلاب دیجیتال دیگر مدیریت‌های عقب مانده دست به عصا نتوانستند جلوی ظهور و بروز نسل‌های نوین را بگیرند و فتنه ۸۸ موتور محرکه این رشد را فراهم ساخت. هرچه وقایع در جبهه اسلام و انقلاب منطقه و جهان را بیشتر آبستن حوادث می‌ساخت، انزوای روشنفکری حادتر می‌شد. فتنه ۸۸، داعش، انقلاب‌های رنگی، حجاب، امریکای لاتین، فلسطین و... موضوعاتی از جنس تخصص و تمایل روشنفکری نیستند و اگر کارهای ایشان را مرور کنید، غالباً در حوزه‌های جنسی محصور مانده و پیش‌تر نمی‌آید. حرف به روز مخاطب به روز می‌طلبد و از همین‌رو بیشتر چهره‌های حزب‌اللهی به سینمای مستند معروف‌ترند، زیرا در این سینما اثرگذارترند!

سینمای مستندی که امروز تجربه می‌کنیم شالوده‌اش براساس مستندهای مشاهده‌گر یا گزارشی است، ساده‌ترند، ارزان‌ترند و به‌روزتر. مستندساز دل به خطر می‌زند یا سوژه‌ای ملتهب را در دست می‌گیرد و کار به صورت دوربینی مشاهده‌گر دنبال می‌شود. این شیوه تا زمانی که وارد مستند بازسازی یا مستند داستانی نشود، نمی‌تواند سینماگری برای داستانگویی تربیت کند. عیب مستندهای امروز جبهه حزب‌الله همین است! عدم قصه‌گویی و عدم روایت داستان‌دار. متن دانای کل است و تصاویری به هم چسبیده. مستند داستانگو، اما گران است و برای رسیدن به آن جگر شیر در مدیریت فرهنگی لازم است که فعلاً نیست! به همین دلیل می‌بینید که در سینمای داستانگو هم بعد از فتنه دهه ۷۰ و هم بعد از فتنه دهه ۸۰ سینماگران روشنفکری بر اسب داستانگویی سوار شدند و آنقدر در این فضا اثرگذاری داشتند که بعضاً سینماگر حزب‌اللهی را نیز وادار کنند فیلم سبز بسازد!

حسن ختام اینکه اگر می‌خواهیم بر سینمای داستانی سوار شویم باید جرئت خطر کردن برای سینمای مستند بازسازی و داستانی را در مدیران خود ایجاد کنیم. تا این نشود آن هم نخواهد شد و این لابدمن است.